

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ دسمبر ۲۰۲۲

## این تشابه از کجا می آید؟

(۳)

پنجشنبه- ۱۷ قوس ۱۴۰۱ - کابل: در دو قسمت قبلی این مختصر، نکاتی را بر شمردیم که پاسخی بودند به چرایی جنایات آشکار و نهان حاکمیت های ۵ دهه اخیر علیه خلق در بند و ستمدیده افغانستان. در این قسمت خواهیم دید که ما چه کرده می توانیم و چه باید بکنیم تا حاکمیت را وادار به رعایت حقوق حقه مردم بسازیم:

با حرکت از این واقعیت که در همه حال و در تمام کشورها مناسبات بین حاکمیت ها و مردم، مبتنی است بر سقف توقعات مردم و رعایت و شناسایی حاکمیت ها از آن سقف توقعات. تا جایی که دیده می شود حاکمیت ها در کل به خصوص حاکمیت های استبدادی و ضد ملی، همیشه می کوشند تا در رابطه شان با مردم، هرچه بیشتر سقف توقعات مردم را پائین و پائینتر آورده، آن را به جایی برسانند که دیگر امکان پائین آمدن نداشته باشد.

عکس این خواست حاکمیت ها، مردم در کشور های مختلف همیشه می کوشند تا جهت ارتقای سطح زندگی و تضمین و تأمین رفاه اجتماعی شان، سقف توقعات جامعه را بالاتر برده، حاکمیت ها وادار سازند تا به خواست های شان تمکین نمایند.

مسلم است که تقابل این دو خواست که یکطرف تلاش دارد سقف توقعات را هرچه بیشتر پائین بیاورد و طرف دیگر می کوشد تا سقف توقعات جامعه را بالاتر ببرد، به همان سان که هیچ گاهی قطع نمی شود، همیشه یک روال و یک مسیر عادی را نیز طی نمی کند. یعنی در حالی که حاکمیت ها کوشش می نمایند تا جهت پائین آوردن سقف توقعات جامعه به هر وسیله ای چنگ بیندازند، گاهی فریب را عمده بسازند و زمانی هم قهر و سرکوب را، مردم نیز جهت بالا بردن سقف توقعات شان، ناگزیراند در مقابل سیاست های حاکمیت، از تمام اشکال مبارزاتی استفاده نمایند تا حاکمیت را وادار به تمکین به اراده شان نمایند.

با در نظر داشت توضیحاتی که در سطور بالا تذکار یافت، حال می بینیم که عکس العمل ما در کل در طی حدود نیم قرن اخیر در مقابل زورگویی ها، مظالم و سرکوب های خونین و به زنجیر کشیدن توده های میلیونی کشور ما چه بوده و در کجا می بایست شکل دیگری می داشت.

هرگاه به گذشته حدود نیم قرن اخیر کشور ما به خصوص از آغاز فاجعه خونین و ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ بدین سو نظر اندازیم می بینیم که مبارزات مردم ما کلاً در یک شکل مبارزه که آنها هم عالی ترین شکل مبارزه که مبارزه مسلحانه باشد، چنان خلاصه شده است توگویی سایر اشکال مبارزه اصلاً وجود ندارد.

همه شاهدیم که در طول اینهمه سال، تمام تلاش نیروهای مخالف و دشمن حاکمیت در هر سطحی که قرار داشته اند، این بوده که تفنگی یافته، آن را بر شانه انداخته به کوه بالا شود و از آنجا جنگ مسلحانه را علیه حاکمیت پیش ببرد. سایر اشکال مبارزه، از کار تبلیغی و ترویجی گرفته، تا اعتصاب، مظاهره، دادخواهی و افشاگری یا اصلاً وجود نداشته و اگر هم گاهگاهی به وجود آمده چنان زودگذر و مقطعی بوده که اصلاً به قلم نمی آید.

نتیجه این عمل ما عمدتاً دو چیز بوده، اگر توان و امکان بالاشدن به کوه را نداشته ایم به محض آن که به چنگ حاکمیت افتاده ایم، جهت ادامه مبارزه مطلقاً تنها گذاشته شده ایم. در طول ۴۵ سال، اگر از خیزش های مردمی در برخی از ولایات مانند هرات، دره صوف و کنر ها و یکی دو مظاهره ای که در همان آغاز اشغال کشور به وسیله سوسیال امپریالیسم شوروی صورت گرفت و یکی دو مظاهره عکس العملی علیه جنایات سربازان امریکا در شهر کابل، بگذریم در تمام این بازه زمانی با تأسف کمتر دیده شده که با دست زدن به این اشکال مبارزه علیه ترکنازی ها، چپاولگری ها، آدم ربائی ها و کشتارهای حاکمیت ها، ما آگاهانه و هدفمند به سرک بیرون شویم، مظاهره کنیم، اعتصاب نمائیم، در شرایط کنونی امضاء جمع آوری کنیم، افشاگری را تشدید نمائیم، به منابع و مراکز بین المللی دست کمک دراز نمائیم و در کل حاکمیت را متوجه بسازیم که اولاً هیچ حرکتی را نمی تواند بدون آن که هزینه های بالائی را به گردن گیرد انجام دهد در ثانی، نمی تواند هموطنان ما را در زندانها بدون حمایت ما زیر شکنجه بگیرد و یا تیرباران نماید.

هموطنان گرامی! بیایید همه به خود و عکس العمل هائی که در چنان مواقع نشان داده ایم مراجعت نمائیم. در این که حاکمیت ها وحشی، خونریز و ضد دموکراتیک بوده و اند و کمترین حرکتی را می خواستند با قوه قهریه سرکوب نمایند، هیچ جای شک و بحثی وجود ندارد، مگر این را هم فراموش نکنیم که ما هم بر مبنای شناخت ما از حاکمیت، مبارزه نکرده میدان را به حاکمیت گذاشته و خود پای پس کشیده ایم. یعنی وقتی حاکمیت آدم ربائی نموده، مردم را در کوچه و بازار به رگبار بسته، خانه ها و قریه ها را ویران نموده، ده ها هزار تن را به زندانها افکنده، اگر تفنگی در دسترس ما قرار گرفته به کوه بالا شده ایم، در غیر آن بدون کمترین عکس العملی نه تنها در خانه مانده ایم و به کار روزمره خود ادامه داده ایم توگویی هیچ اتفاقی نیفتاده، بلکه حتا به دنبال فرزندان، برادران و خواهران دربند، درب یک اداره را نیز زده ایم تا نکند ما را به آن دوسیه بیفزایند. تجربه نشان داده است که روش ما نه تنها متضمن حفظ شخص ما نبوده، بلکه به حاکمیت فرصت داده تا روزتاروز از سقف توقعات ما کاسته، آن را به کف انتظارات خودش منطبق بسازد. هموطنان گرامی! همین اکنون طالب و نظام ملاسالار از هر جایی که می گذرد، خطی از خون و آتش در قفایش می گذارد، خانوادهائی را در دایکندی قتل عام نموده سر می برد، در فراه تیر باران می کند، در خوست، لوگر، پروان، تخار و ... روزانه به ده تن از هموطنان ما را شلاق می زند، دختران و زنان را در غل و زنجیر جهالت اسلامی به زنجیر بسته است، آدمربائی و به زندان افگندن خبر روزمره شده است، داس مرگ بیکاری، فقر و بیماری را به جان مردم انداخته است، با تأسف چنان کمترین حرکتی را در ما به وجود نمی آورد، توگویی ما همه مستحق آنیم که با ما صورت می گیرد. مطمئن باشید تا زمانی که ما در برخوردهای ما و تعیین سقف توقعات ما تغییر به وجود نیآوریم و طالب را وادار به پذیرش آنها با تحمل قربانی نسازیم، این وضعی که داریم نه تنها ادامه خواهد یافت، بلکه روزتاروز سخت تر و رنج آورتر نیز خواهد گردید.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**